

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زمین پر نیک نوا



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگ و اجتماع



پرتال فرهنگ و رسوخون
BASEKHOON.NET
معاونت فرهنگ و اجتماع - سازمان اوقاف و امور خیریه

تہیہ، تنظیم و نشر: پرتال فرهنگ و رسوخون (وابستہ بہ معاونت فرهنگ، اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه)
نویسنده: علی رضا محمدلو | ویراستار: مہدی صباغی | صفحہ آراہی: مختار شفیقہ
قیمت: ۲۵۰۰ تومان | نوبت چاپ: اول / بہار ۱۳۹۷ | شمارگان: ۳۰۰۰ نسخہ
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وابستہ بہ سازمان اوقاف
نشان: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزادہ سید علی (علیہ السلام)، مجتمع فرهنگ اوقاف، پرتال فرهنگ رسوخون
سایت رسوخون: www.rasekhoon.net | تلفن: ۰۲۵- ۳۸ ۱۸ ۷۱ ۷۴

زندگی به رنگ خدا



خدا و خرماباهم

پیرامون وجوه دینی لزوم حمایت از کالای ایرانی



[مقدمه]



هر کالایی که از یک جامعه یا فرهنگ دیگر به جامعه‌ای دیگر صادر می‌شود، بخشی از فرهنگ جامعه مبدأ را با خود به جامعه مقصد منتقل می‌نماید و چه بسا فلسفه اصلی صدور و راهیابی آن کالا به جامعه مقصد انتقال همین فرهنگ جدید باشد، چرا که فرهنگ‌ها زیربنای اصلی هر اجتماعی را تشکیل می‌دهند و تنها با حاکمیت فرهنگی است که می‌توان بساط سلطه بر یک جامعه را پهن کرد. بسیاری از کالاهای وارداتی بر مبنای نیاز جامعه‌ی ایران طراحی و تولید نشده‌اند، بلکه هدف از تولید چنین کالاهایی، ایجاد «نیازهای کاذب» در مصرف‌کننده است. همین نیاز کاذب بخش عمده‌ای از درآمد خانواده ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر فرصت را از تولیدکننده و کارگر ایرانی می‌گیرد.





[بیان آیه و ترجمه]

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (آیه ۱۴۱ سوره نساء)

خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند.

به آیه ۱۴۱ سوره نساء (به دلیل بخش آخر آیه) «آیه نفی سبیل» می‌گویند:

«الَّذِينَ يَتَرَضَّوْنَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْذِثْكُمْ وَعَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ همانان که مترصد شمایند پس اگر از جانب خدا به شما فتوحی برسد می‌گویند مگر ما با شما نبودیم و اگر برای کافران نصیبی باشد می‌گویند مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از [ورود در جمع] مؤمنان باز نمی‌داشتیم پس خداوند روز قیامت میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

نگاهی تفسیری به آیه مذکور

کلمه «سبیل» از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنای عموم می‌دهد؛ بنابراین، آیه هر گونه استیلا و سلطه کافران بر مؤمنان را ناشدنی می‌داند. این «جعل» می‌تواند هم «جعل تشریحی» باشد، همان طور که برخی از فقها در مسائل مختلف فقهی برای عدم تسلط کفار بر مؤمنان از نظر حقوقی و حکمی به این آیه استدلال کرده‌اند و هم می‌تواند «جعل تکوینی» باشد؛ یعنی کافران از نظر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و از هیچ نظر بر افراد باایمانی که ملتزم به لوازم ایمانشان هستند، چیره نخواهند شد و اگر آن‌ها بر مسلمانان پیروز می‌شوند به این دلیل است که بسیاری از مسلمانان وظایف و رسالت‌های خویش را فراموش کرده‌اند.

جوامع انسانی به علل گوناگون نیازمند یکدیگر هستند و هر جامعه‌ای برخی از نیازمندی‌های خود را از طریق جوامع دیگر برطرف می‌سازد؛ ولی جامعه ایمانی می‌بایست هوشیار باشد که این



نیازمندی و پاسخ به آن، موجب وابستگی اقتصادی و سرسپردگی به دشمنان و سلطه جوامع دشمن و بیگانه بر آنان نشود؛ از این رو خداوند در آیه ۲۸ سوره توبه قطع روابط اقتصادی با دشمنان را برای جلوگیری از سلطه آنان و دستیابی به خودکفایی اقتصادی تشویق می‌کند. در این آیه خداوند به مؤمنان و جامعه ایمانی وعده و امیدواری می‌بخشد که در صورت قطع رابطه اقتصادی و وابستگی به بیگانگان و دشمنان می‌توانند به خودکفایی برسند و این قطع رابطه نه تنها اختلالی در اقتصاد و رشد و توسعه آن ایجاد نمی‌کند؛ بلکه فرصت استثنایی برای خودکفایی و رسیدن به استقلال اقتصادی است.

البته قطع رابطه اقتصادی ممکن است بحران‌هایی را ایجاد کند. در این حالت نظارت دقیق دولت اسلامی و برنامه‌ریزی درست و مناسب برای عبور از بحران‌ها ضروری خواهد بود. (یوسف، آیات ۴۷ تا ۵۵؛ کهف، آیات ۹۳ تا ۹۷ و سبا؛ آیات ۱۲ و ۱۳)



باید توجه داشت این روابط با غیرمسلمانان تنها در مدار مسائل مادی و دنیوی نیست، بلکه می‌تواند دلایل دیگری داشته باشد که از جمله آن‌ها دعوت و تبلیغ اسلام میان آنان است؛ زیرا بدون ارتباط و نیز روابط نمی‌توان افکار و عقاید اسلامی را به دیگران رساند و آنان را به اسلام دعوت کرد؛ از این رو، یکی از مجوزهایی که برای انجام ارتباط و روابط وجود دارد، مجوز ارتباط تبلیغی و دعوتی است. اسلام حتی اجازه می‌دهد تا دشمنان به محیط اسلامی و جامعه اسلامی وارد شوند و تحت محافظت و مراقبت با استفاده از امکانات جامعه اسلامی، مدتی را برای شناخت حقیقت بمانند و بی‌آن‌که تحت فشار و تهدید یا تطمیع باشند، به موطن خود بازگشته و با اختیار خود، حق انتخاب داشته باشند. «وان احد من المشركين استجارك فاجرته حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه ما منه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون»؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان؛ چراکه آنان قومی



[جواز رابطه انسانی با دیگران]

اسلام دین جهان شمول از جهات گوناگون است. این دین، هم از نظر کلی و فراگیری نسبت به همه مردم و هم از نظر دائمی بودن از جهت زمانی، جهان شمول است. با توجه به آن که همه افراد جهان، مسلمان نیستند، برخورد دین جهانی باید به گونه‌ای باشد که زمینه تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم باشد؛ بنابراین، رویکرد اسلام و جامعه و دولت اسلامی نسبت به ادیان و شرایع دیگر، یک رویکرد خوب و مسالمت‌آمیز است. این گونه است که در سطح محلی در قالب پذیرش جزیه با آنان رفتاری مسالمت‌آمیز دارد و در سطح منطقه و جهانی نیز با رویکرد مثبت با آنان در سطوحی، تعامل و ارتباط برقرار می‌کند. البته اثبات مجوز روابط در چارچوب‌های مشخص به معنای آزادی مطلق نیست، بلکه اسلام محدودیت‌هایی را در نظر گرفته که بیرون از چارچوب‌های پیش‌گفته است. پس اسلام و آموزه‌های وحیانی قرآن، با آن که دلایل این چرایی روابط با بیگانگان را به تفصیل در آیات



قرآن بیان کرده، اما در چگونگی این روابط نیز خطوط قرمزی را مشخص کرده که باید مراعات شده و از آن تجاوز نشود.

خطوط قرمز روابط با غیرمسلمانان

اسلام مجوز ارتباط و روابط با غیرمسلمانان را بنا به عللی پذیرفته است؛ اما این روابط را آزاد نگذاشته بلکه خط قرمزهایی را برای آن مشخص کرده است. برخی از مهم‌ترین خطوط قرمز روابط با غیرمسلمانان عبارت‌اند از:

ممنوعیت رابطه ولایی با غیرمسلمانان و بیگانگان

از نظر قرآن، مجموعه غیرمسلمانان حتی از اهل کتاب، به عنوان بیگانگان شناخته می‌شوند؛ بنابراین نمی‌توان همان روابط و ارتباطی را با آنان برقرار کرد که با مسلمانان برقرار می‌شود. به سخن دیگر، هرچند غیرمسلمانان طیف وسیعی از انسان‌ها را تشکیل می‌دهند - که



شامل: ۱. اهل کتاب از یهود و مسیحی و زرتشتی و صائبی (حج، آیه ۱۷)؛ ۲. کافران و مشرکان حربی؛ ۳. کافران و مشرکان غیرحربی؛ ۴. کافران و مشرکان غیرحربی معاهد؛ ۵. منافقان شناخته شده در جامعه اسلامی می شوند- همه به عنوان غیرمسلمانان و بیگانگان دسته بندی می شوند و نمی توان با آنها همان روابطی را داشت که میان مسلمانان جود دارد.

براساس آموزه های وحیانی قرآن، هر نوع رابطه ای بایست بر محور ایمان انجام گیرد؛ بنابراین، هرگونه رابطه میان مسلمانان و غیرمسلمانان، در سه سطح مودت، تولی و اتخاذ ولی ممنوع است.

خداوند در قرآن، به عنوان یک اصل هرگونه روابط ولایی میان مسلمانان با غیرمسلمانان را نفی کرده است؛ به این معنا که جامعه و دولت اسلامی باید هیچ رابطه ولایی با بیگانگان نداشته باشد. در آیات قرآن موارد زیر از روابط نفی شده است:



نفی رابطه ولایی با اهل کتاب: قرآن درباره نفی رابطه ولایی مؤمنان با اهل کتاب می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را اولیای خود نگیرید که بعضی از آنان اولیاء بعضی دیگرند و هر کس از شما آن‌ها را اولیا گیرد، از آنان خواهد بود. آری! خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید. (مائده، آیه ۵۱) در این میان برخی از اهل کتاب به سبب ریشخند و بازی گرفتن دین اسلام باید نفی شوند؛ زیرا خداوند در جایی دیگر می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند چه از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و چه از کافران، دوستان خود مگیرید و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید. (مائده، آیه ۵۷)

نفی رابطه ولایی با کافران: خداوند فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید. آیا می‌خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید؟ (نساء، آیه ۱۴۴) از نظر قرآن کافر، کافر است و فرقی میان کافر خویشاوند و غیر خویشاوند



نیست. خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پدرانانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند آنان را به دوستی مگیرید و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمکاران اند. (توبه، آیه ۲۳)

نفی رابطه ولایی با مغضوبان: هر چند مغضوبان بر یهودیان تطبیق شده، این عنوان عامی است که شامل گروه‌های بسیاری از مردم از کافران و مشرکان می‌شود. خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده، به دوستی مگیرید. آن‌ها واقعاً از آخرت سلب امید کرده‌اند، همان گونه که کافران از زنده شدن اهل قبور ناامیدند. (ممتحنه، آیه ۱۳) از این آیه هم چنین فهمیده می‌شود که ارتباط و رابطه ولایی با مغضوبان موجب می‌شود تا شخص یا جامعه نیز مغضوب الهی شود.

نفی رابطه ولایی مؤمنان با مشرکان: خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید!



حقیقت این است که مشرکان ناپاک اند، پس نباید از سال آینده به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر در این قطع رابطه از فقر بیمناک هستید، پس به زودی خدا - اگر بخواهد - شما را به فضل خویش بی نیاز می گرداند، که خدا دانای حکیم است. (توبه، آیه ۲۸) به سخن دیگر، تعلیق حکم بروصف، مخاطب را از علت یابی بی نیاز می کند و می فهماند که علت داشتن وصف مغضوب علیه است.

نفی رابطه ولایی با منافقان: منافقان هرچند به ظاهر جزو مسلمانان و شهروندان جامعه اسلامی هستند؛ ولی کسانی که به عنوان منافقان شناخته می شوند باید به عنوان کافران ارزیابی شده و هرگونه رابطه با آنان قطع شود. خداوند می فرماید: شما را چه شده است که درباره منافقان، دو دسته شده اید؟... منافقان همان گونه که خودشان کافر شده اند، آرزو دارند که شما نیز کافر شوید، تا با هم برابر باشید. پس زنهار، از میان ایشان برای خود، اولیایی را اختیار نکنید

تا آن که در راه خدا هجرت کنند. پس اگر روی برتافتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و از ایشان یار و یآوری برای خود مگیرید. (نساء، آیات ۸۸-۸۹)

نفی رابطه ولایی با دشمنان خدا و امت اسلام: برخی از کسانی که در موارد پیشین نفی شده‌اند ممکن است تنها با مسلمانان، دشمنی داشته باشند؛ ولی به خدا اعتقاد داشته و با خدا دشمنی نداشته باشند؛ بنابراین خداوند در جایی دیگر به مسئله دشمنان خدا و مسلمانان اشاره کرده و هرگونه رابطه ولایی را با آنان نفی کرده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برمگیرید به طوری که با آن‌ها اظهار دوستی کنید و حال آن که قطعا به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند و پیامبر خدا و شما را از مکه بیرون می‌کنند که چرا به خدا، پروردگارتان ایمان آورده‌اید، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید. شما پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان داشتید

و آنچه آشکار نمودید دانایم و هر کس از شما چنین کند، قطعاً از راه درست منحرف گردیده است. (ممتحنه، آیه ۱)

نفی رابطه و دوستی با دشمنان

از نظر قرآن، هرگونه رابطه ولایی با دشمنان ممنوع است؛ از این رو خداوند با آوردن کلمه «اتخاذ» که معنا و مفهوم ملکه را در خود دارد، خواهان انزجار قلبی نسبت به آنان می‌شود. انزجار قلبی اولین مرتبه از مراتب نهی است و مؤمنان باید با این انزجار قلبی محبت خداوند را جایگزین کنند؛ زیرا در یک قلب، جای یکی از آن دو است و از آن جا که مؤمن مدعی دوستی خداوند است، دیگر جایی برای دوستی دشمنان نمی‌ماند؛ زیرا دوستی خدا با دوستی دشمنان خدا قابل جمع نیست؛ از این رو خداوند می‌فرماید: قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند - هرچند پدرانشان یا پسرانشان

یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند- دوست بدارند. درد دل اینهاست که خدا ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر درختان آن جوی‌هایی روان است درمی‌آورد، همیشه در آن جا ماندگارند، خدا از ایشان خشنود و آن‌ها از او خشنودند، اینان اند حزب خدا. آری! حزب خداست که رستگاران اند. (سوره مجادله، آیه ۲۲)

توضیح این‌که در اسلام، نهی از منکر درجاتی دارد که اولین درجه آن انزجار قلبی از بدی و بدکاران است. لذا بر همه مسلمانان واجب است که نسبت به بدی و بدان منجز باشند؛ این انزجار قلبی باید نسبت به بدی و بدکار در قلب آدمی تحقق یابد، حالا خواه در مقام عمل بتوان مانع منکر و بدکاری آنان شد یا امکان چنین عملی نباشد؛ با این همه همگان در مقام قلب موظف هستند که هم بدی را بد دانسته و هم بدان را دوست نداشته باشند.



پس اگر مسلمان و مؤمنی انسان معصیت کاری را دوست داشته باشد، در حقیقت وی اولین درجه نهی از منکر را عمل نکرده است؛ چون بر هر مسلمانی واجب است که از معصیت و معصیت کار منجزر باشد. البته از آنجایی که انسان‌ها سیاه و سفید نیستند، بسیاری در زمینه خاکستری زندگی و حرکت می‌کنند و خوب و بد اعمالشان مخلوط است؛ چنانکه خداوند در آیه ۱۰۲ سوره توبه فرموده است: و دیگرانی هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با کاری دیگر که بد است درآمیخته‌اند؛ چنین افرادی به سبب معصیت، مورد تنفر و انزجار قرار می‌گیرند از باب کارهای مثبتی که دارند. پس انسان ممکن است به شخصی که این گونه است از آن جهت که منشا کار مثبتی است او را دوست داشته باشد؛ ولی اگر کار منفی داشته باشد، شخص مؤمن، کار منفی و صاحب کار منفی را دوست نمی‌دارد.

این درباره مؤمنان و مسلمانان است؛ همچنین درباره کافران و روابط با ایشان باید به این نکات توجه داشت؛ یعنی دست کم باید نسبت به آنان از نظر قلبی انزجار و تنفری در دل داشته باشد، نه آن که مودت و محبت آنان را در دل جای دهد.

بر اساس این آیات، مؤمنان نه تنها ولایت کافران را نمی پذیرند، بلکه به آنان مودت نیز ندارند؛ یعنی هیچ یک از مراحل سه گانه «مودت»، «تولی» و «اتخاذ ولی» را ندارند؛ بر اساس این آیه مؤمنان حتی اصل مودت را ندارند که پایین ترین مرحله از مراحل است؛ چه رسد به «تولی» یا «اتخاذ ولی» که مستحکم ترین رابطه است.

قرآن کریم راز ممنوعیت پیوند ولایی با کافران و منافقان را چنین بیان می کند: منحرفان از دین خدا دوست دارند که شما کافر شوید و همسان آن ها باشید. (نساء، آیه ۸۹)

خداوند هرگونه رابطه ای را که بر مدار ایمان نباشد، نادرست می شمارد و خواهان رابطه بر



مدار ایمان است. این که خداوند رابطه ولایی در هر سه سطح از سطوح میان جامعه و دولت اسلامی با بیگانگان را نفی کرده است، به دلیل این است که این رابطه ولایی حتی در کمترین سطح یعنی رابطه مودت و دوستی می تواند در سیره و سنت مؤمنان تأثیر بگذارد و رفتارهای بد و زشت را موجب شود و تأثیر منفی به جا گذارد؛ زیرا روابط، خواه و ناخواه تأثیراتی را در دو طرف موجب می شود و این تأثیر بی گمان در افکار و عقاید و رفتار خواهد بود.

خداوند ارتباط میان افراد جامعه و دولت اسلامی با دیگران را بر پایه یک اصل ایمانی تعریف کرده است و با تأکید بر «من دون المؤمنین» هرگونه رابطه مؤمن با کافر را باطل دانسته است؛ زیرا چنین رابطه ای در مداری غیر از ایمان است.

البته غیر از این آیه، آیات دیگری این معنا را تأیید می کند. (از جمله آیه ۳۰ سوره اعراف، آیه ۵۰ سوره کهف و آیه ۴۱ سوره عنکبوت)



[آسیب‌شناسی مصرف کالای خارجی
و در مقابل، ضرورت مصرف کالای داخلی]



اسطوره کیفیت برتر کالای خارجی، ریشه بی‌توجهی به کالای داخلی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی موجود در جامعه ما «اسطوره کیفیت کالای خارجی» است؛ پدیده‌ای که مانند بسیاری از چالش‌های فرهنگی دیگر علاوه بر ریشه‌ی تاریخی با ابزار قوی رسانه و از راه تبلیغات گسترده کالاهای خارجی در ذهن اغلب افراد ایرانی جای گرفته است. «دل‌بستگی به تولیدات بیگانه» امری است که رهبر فرزانه‌ی انقلاب از آن به «آفت اجتماعی» تعبیر می‌کنند. آفتی که در دوران طاغوت و دوران‌های ظلمانی گذشته ریشه دارد، با این تفاوت که ما در آن دوران به طور مطلق وابسته قدرت‌های دیگر بودیم و خودمان هیچ تولیدی نداشتیم، اما امروز گرایش به سمت وسوی کالای خارجی و تفاخر به مارک‌های معروف با وجود تولیدات مرغوب و مطلوب داخلی، یک بیماری است، بیماری‌ای که باید علاج شود. به دیگر بیان می‌توان گفت برای تحقق حمایت از تولید داخلی و اقبال جامعه به سمت



تولیدات ملی باید اسطوره‌ی ذهنی کیفیت کالای خارجی در باور افراد جامعه ما بشکند و شکستن چنین باور غلطی، نیازمند توسل به ابزار فرهنگی است؛ اما آیا آسیب عادت به مصرف کالاهای خارجی تنها در چالش‌های اقتصادی خلاصه می‌شود یا استیلای فرهنگ مصرف کالاهای لوکس و تجملاتی و اراداتی، حکایتی به عمق «تغییرات فرهنگ» و «سبک زندگی» در جامعه را بازگو می‌نماید؟

یک کالا نه، یک فرهنگ!

هر کالایی که از یک جامعه یا فرهنگ دیگر به جامعه‌ای دیگر صادر می‌شود بخشی از فرهنگ جامعه مبدأ را با خود به جامعه مقصد منتقل می‌نماید و چه بسا فلسفه‌ی اصلی صدور و راهیابی آن کالا به جامعه مقصد انتقال همین فرهنگ جدید باشد؛ چراکه فرهنگ‌ها زیربنای اصلی هر اجتماعی را تشکیل می‌دهند و تنها با حاکمیت فرهنگی است که می‌توان بساط سلطه



بریک جامعه را پهن کرد. بدون شک یکی از مهم‌ترین دلایل تاکیدات همیشگی مقام معظم رهبری بر مصرف تولیدات داخلی، تأثیر فرهنگی کالاهای تازه وارد فرنگی است که در کنار آثار سوء بر اقتصاد، کند شدن چرخه‌ی تولید داخل و از رونق افتادن بازار کسب و کار برای مردم کشورمان، چالشی دیگر را تدارک دیده‌اند. بسیاری از کالاهای وارداتی بر مبنای نیاز جامعه‌ی ایران طراحی و تولید نشده‌اند، بلکه هدف از تولید چنین کالاهایی، ایجاد «نیازهای کاذب» در مصرف‌کننده است. همین نیاز کاذب بخش عمده‌ای از درآمد خانواده‌ی ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر فرصت را از تولیدکننده و کارگر ایرانی می‌گیرد.

این نیازهای دروغین به کالاهای لوکس و فوق‌لوکس خارجی از طبقات ثروتمند جامعه یعنی طبقه‌ی هدف چنین کالاهایی آغاز می‌شود، اما به مدد ابزارهای ارتباط جمعی، رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی هم چون ماهواره و اینترنت، کم‌کم طبقات متوسط و کم‌درآمد جامعه



نیز برای تهیه کالایی که در گذشته‌ای نه چندان دور هیچ جایگاهی برایشان نداشت رقبت نشان می‌دهند و در صورت توفیق نیافتن برای تهیه‌ی چنین کالایی، دچار احساس تبعیض در جامعه خواهند شد؛ احساسی که تبعات اجتماعی فراوانی بر جای می‌گذارد.

ریشه‌ی دلباختگی به مارک‌های غربی

بانگاهی به جامعه به نظر می‌رسد داشتن کالاهای لوکس و گران قیمت خارجی فقط به خاطر داشتن برندی معروف به ابزار تفاخر و برتری جویی مبدل شده‌اند و این حکایت از تغییر ارزش‌ها و نشانه‌های منزلت در جامعه‌ی ارزش مداری هم‌چون ایران است؛ بنابراین با شکل‌گیری این تفکر که داشتن کالای خارجی نشانه تعلق به طبقات بالاتر اجتماع و نشانه‌ای از قدرت، ثروت و حتی سلیقه است، رقابتی برای خرید این کالا در بین طبقات مختلف اجتماع شکل می‌گیرد و استیلای این فرهنگ ناصواب، مهجوریت تولیدات ملی و در پی آن لنگیدن چرخه‌ی اقتصاد و



اشتغال و در نهایت عقب ماندگی را به دنبال خواهد داشت. این تغییر در ارزش‌ها یا به عبارت دیگر تغییر در «سبک زندگی» نیز ریشه در همین کالاهای وارداتی و فرهنگ مادی گرایانه‌ای دارد که با خود به همراه می‌آورند و در ورای تبلیغات اغواکننده و بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها، در فرهنگ اصیل ایرانی رسوخ یافته‌اند.





[سبک زندگی و تأثیر آن بر الگوی مصرف
و حمایت از کالای ایرانی]



اثر سبک زندگی در مصرف کالاهای خارجی

مروری بر عادات روزمره مردم نشان می‌دهد متأسفانه مردم در بسیاری از الگوهای حاکم در زندگی‌شان، از الگوهای غربی پیروی می‌کنند؛ به عنوان مثال، کالایی همانند یخچال یا ماشین لباس شویی و ظرف شویی زائیده سبک زندگی و اهداف مصرفی غربی است. نظام فکری غرب برای ایجاد آسایش و آرامش و سهولت در زندگی و برای آن‌که مردم وقت خود را صرف کارهایی نظیر لباس شستن یا ظرف شستن نکنند و بتوانند هم وقت بیشتری در اختیار داشته باشند و هم آن‌که انرژی کمتری صرف کنند و زندگی راحت‌تر باشد، چنین دستگاه‌هایی را تولید کرده است؛ به عبارت دیگر، سبک زندگی غربی همواره به دنبال کاهش زمان مصرفی مردم برای رسیدن به اهداف در کنار ایجاد سهولت در انجام امور است. به همین دلیل، ماشین را اختراع کرد تا مردم در زمان کمتر و با سهولت بیشتر، به مقصد خود برسند.



اما اکنون با وجود تهیه بسیاری از مواد غذایی از مغازه‌ها یا غذایرون برها و فست فودها، کنار وجود جاروبرقی، ماشین لباس شویی و... برای انجام امور خانه، باز بسیاری از زنان از کمبود وقت و توان به منظور انجام کارها گله دارند. بحث آسیب‌شناسی فرهنگ غربی و اثرات آن در زندگی روزمره ما نیست، اما قصد بیان این نکته را داریم که سبک زندگی غربی، که بر اساس ایجاد راحتی و کاهش زمان انجام امور در زندگی ما رخنه کرده است، بسیاری از مسائل ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین در این سبک زندگی، که بسیاری از الگوهایش را از اقتصاد غربی وام گرفته، طبیعی است که مصرف کالاهای خارجی متناسب با این فرهنگ نیز اصل باشد و همچنین تکلم به انگلیسی نیز یک افتخار محسوب شود؛ زیرا نحوه زندگی حاکم میان مردم، سبک زندگی غربی است که برخی از اصول اسلامی بر آن حاکم است؛ به همین دلیل، مصرف‌کننده داخلی، مصرف

کالاهای داخلی برایش توجیه ندارد و تمایل به خرید کالاهایی دارد که با فرهنگی که به او ارائه می‌شود همخوانی بیشتری داشته باشد. اگر ما تنها تکنولوژی را از تمدن غربی وام بگیریم و سایر اقتضائات آن به کشور وارد نشود، با توجه به توضیحات بیان شده، تنها ثمره آن تنبلی و راحت طلبی خواهد بود که در جامعه امروزه مشاهده می‌کنیم.

سبک زندگی اسلامی و تغییر ساختار تولیدات ملی

این مسائل در کنار این مهم نیز باید مورد توجه قرار گیرد که بسیاری از تولیدات داخلی ما متأثر از سبک زندگی غربی است که در رویکرد بلندمدت باید اصلاح شود. مثلاً تولید وسایلی نظیر جاروبرقی، نوشابه، غذاهای آماده و... نشئت گرفته از آن سبک زندگی است که تشریح شد و خود این مسائل به این سبک زندگی دامن می‌زند؛ از این رو باید برای تغییر سبک زندگی و تغییر نحوه تولید ملی نیز فکر اساسی تری صورت گیرد.

به بیان دیگر، بسیاری از تولیدات ملی، خود مروج سبک زندگی غربی و راحت طلبی هستند که تکنولوژی برای ما به ارمغان آورده است. در یک حرکت بلندمدت‌تر، باید با تغییر نظام تولیدی، به سمت تولید کالاهایی برویم که از تکنولوژی اسلامی نشئت می‌گیرند و می‌توانند ساختار اقتصادی را نیز تغییر دهند.

فرهنگ‌سازی برای مردم

همان‌طور که مقام معظم رهبری تأکید فرمودند، یکی از مسائل دیگری که در باب سبک زندگی مؤثر است فرهنگ‌سازی و تبلیغات در جهت مصرف کالاهای داخلی است. مردم باید از طریق رسانه‌های مختلف، از سبک زندگی متأثر از تکنولوژی و راحت طلبی، به سبکی از زندگی که تلاش و کوشش در آن تجلی دارد و بیشتر مطابق با فرهنگ اسلامی است روی بیاورند و این نیازمند تبلیغات و فرهنگ‌سازی مناسب در رسانه‌هاست.



متأسفانه در رسانه‌های مختلف، عزمی جدی برای فرهنگ‌سازی تولید ملی دیده نمی‌شود. سایت‌ها و خبرگزاری‌ها بیشتر به مسائل حاشیه‌ای نظیر مباحث سیاسی، اخبار دلار و سکه و مسائل حاشیه‌ای تمرکز دارند و رسانه ملی نیز با وجود آن‌که برنامه‌های مختلفی در باب حمایت از تولید ملی تهیه می‌کند، اما در فرهنگ‌سازی آن برای مردم، بسیار ضعیف عمل می‌شود و حتی برخی از فیلم‌ها و سریال‌ها که به نشان دادن زندگی افراد ثروتمند می‌پردازند، با نشان دادن مصرف کالاهای لوکس و تجملی و بعضاً غیرایرانی، مردم را تشویق به مصرف چنین کالاهایی می‌کنند. در چنین شرایطی که در برنامه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های رسانه ملی مصرف کالاهای داخلی یک ارزش به شمار نمی‌آید، نمی‌توان انتظار چندانی در تأثیرپذیری مردم و مصرف کالاهای داخلی داشت. تعطیل شدن بسیاری از برنامه‌های آموزشی و اقتصادی به خاطر کسری بودجه دولت در سال جاری نیز بررها کردن فضای فرهنگ‌سازی دامن زده است.



البته باید توجه داشت که عامل اصلی اثرگذاری تبلیغات در کشور، رعایت صداقت در تبیین مواضع برای مردم است. اگر مردم ببینند که در تبلیغات یک کالا ایرانی معرفی می‌شود، اما در حقیقت تولید داخل نیست و چنین سخن‌هایی در حد شعار است، نه تنها دیگر رغبتی به خرید کالای ایرانی نخواهند داشت، بلکه به علت این‌که اعتماد خود را به دولت از دست می‌دهد، سایر سیاست‌ها نیز محکوم به شکست خواهد بود.

فرهنگ رزق محور و گسترش مصرف تولیدات داخلی

یکی از مسائلی که می‌تواند در حمایت از تولید ملی مؤثر باشد و در سبک زندگی اسلامی نیز جایگاه اساسی داشته باشد مسئله رزق است. مطابق با سبک زندگی اسلامی و بیان آیات و روایات، رزق انسان البته در صورتی که تلاش کافی و لازم را انجام داده باشد، تضمین شده است و نباید نگران تأمین رزق خود باشد. در این شرایط، مسلمانی که در کار تولید و ساخت و ساز



است، روزی خود را از خداوند طلب می‌کند و برای کسب درآمد در حق مردم اجحاف نمی‌کند و بر همین اساس، کالاهای باکیفیت تولید می‌کند و حقوق کارگران را به درستی می‌دهد و در بازار نیز تقلب نمی‌کند. اگر چنین برداشتی میان تولیدکنندگان ما نهادینه شود و سبک زندگی در میان این قشر، اسلامی باشد، بازار کالا هم از نظر کیفیت و هم کمیّت بسیار متحول خواهد شد و مردم نیز منتفع می‌گردند.

این امر سبب می‌شود مردمی که مصرف‌کننده کالاهای داخلی هستند نیز به دلیل دیدن صداقت و کیفیت تولیدکننده، تمایل بیشتری به مصرف این کالاها نشان دهند و از کالاهای خارجی کمتر مصرف کنند و این مسئله نیز موجب گسترش مصرف تولیدات داخل و قدرت یافتن تولیدکننده داخلی می‌شود.

رشد اقتصادی و سبک زندگی

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که هر نوع رشد اقتصادی برای نظام اسلامی مطلوب نیست. به بیان دیگر، اگر رشد اقتصادی به رشد سبک زندگی اسلامی و ایرانی کمک کند و صناعی را رشد دهد که باعث کاهش وابستگی کشور می‌شوند، می‌تواند برای نظام اسلامی مثمر‌تر باشد. اما رشد بی‌رویه بخش خدمات در مواردی نظیر پاساژهای فروش لباس و مواد خوراکی و بسیاری از اقلام مصرفی، در کنار رشد رستوران‌ها و مجتمع‌های رفاهی و رشد بانک‌ها که ثمره رشد بی‌رویه نقدینگی در کشور است و بسیاری از موارد مشابه دیگر، برای جامعه اسلامی مطلوب نیست و نیاز است تا همان‌طور که رهبری بیان کردند، نخبگان و مسئولان برای ایجاد چنین تغییری بکوشند.

به بیان دیگر، تغییر سبک زندگی و تغییر الگوی مصرف، دو بال تغییر ساختار مردمی اقتصاد هستند و بر یکدیگر متاثر هستند که تغییر در هر یک، به بهبود دیگری کمک خواهد کرد. تغییر ساختار مردمی اقتصاد یعنی تغییر الگوی مصرف و تغییر سبک زندگی از طریق نهادینه کردن مصرف کالاهای داخل در طرف تقاضا و بهبود کیفیت کالای داخل در طرف عرضه محقق خواهد شد. از این رو دولت و نهادهای مسئول باید از طریق فرهنگ سازی سبک زندگی اسلامی و الگوی مصرف اسلامی، در جهت نهادینه کردن مصرف کالاهای داخلی و بهبود کیفیت کالاهای داخلی گام بردارند تا هم شرایط برای اقتصاد مقاومتی و تحقق عزم ملی مهیا شود و هم این که راه های عملیاتی سازی تمدن اسلامی گسترده شود.



منابع مطالعاتی

- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹.
- کلینی، کافی، ج ۵.
- تفسیر نمونه.
- تفسیر المیزان.
- تفسیر مجمع البیان.
- پایگاه خبری تحلیلی حوزه علمیه قم.